Original Article **Open Access**

Health Law Journal

2025; 3: e5

International ThinkTank of Human Dignity | The Bioethics and Health Law Institute | The Iranian Association of Medical Law

Legal Basis of Government Intervention in Regulating the Food Market in Crisis Situations

Aram Abbaspour Jalali[1]

1. Department of Law, Roshdiyeh Higher Education Institute, Tabriz, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: Food security is a fundamental human right and one of the main components of sustainable development. In the Iranian legal system, despite the emphasis of the Constitution on meeting the basic needs of citizens, there are no specific and integrated legal mechanisms for government intervention in regulating the food market, especially in crisis situations such as sanctions, drought, or epidemics. The purpose of this study is to examine the legal foundations of government intervention in the food market in crisis situations and analyze the strengths and weaknesses of these interventions within the framework of existing laws.

Methods: This study was conducted in a descriptive-analytical manner using library resources. Domestic legal documents, including the Constitution, ordinary laws, statutory regulations and approvals of executive bodies, were examined and the content analysis method was used to assess the legal role of the government in regulating the food market.

Ethical Considerations: In the present study, the ethical aspects of library research, including the originality of texts, honesty and trustworthiness, have been observed.

Results: The results of the study show that the existing laws, although they have given the government the authority to intervene in the food market in some cases, lack coherence, predictability and a clear legal framework. In practice, institutions such as the Ministry of Agricultural Jihad, the Ministry of Semat and the Market Regulation Headquarters use tools such as pricing, emergency imports and quota distribution, but due to the lack of coherent legal support and long-term policymaking, these measures face challenges such as producer dissatisfaction, discrimination in distribution and administrative corruption.

Conclusion: To strengthen the role of the government in ensuring food security, especially in crisis situations, it is necessary to develop a clear legal framework with an emphasis on food justice, supply sustainability and respect for the rights of consumers and producers. It is suggested that the development of a comprehensive law centered on the "right to food" and the provision of legal mechanisms for government interventions in special circumstances be placed on the agenda of policymakers and legislators.

Keywords: Market Regulation; Food Security; Right to Food; Crisis Situations

Corresponding Author: Aram Abbaspour Jalali; **Email:** aram.abbaspour@gmail.com

Received: July 22, 2025; **Accepted:** September 12, 2025; **Published Online:** November 04, 2025

Please cite this article as:

Abbaspour Jalali A. Legal Basis of Government Intervention in Regulating the Food Market in Crisis Situations. Health Law Journal. 2025; 3: e5.

Copyright©2025, the Authors. This open-access article is published under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International License which permits Share (copy and redistribute the material in any medium or format for any purpose, even commercially) and Adapt (remix, transform and build upon the material for any purpose, even commercially) under CC BY 4.0 terms.

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

دسترسی آزاد | مقاله پژوهشی

مجله حقوق سلامت

دوره سوم، ۱۴۰۴

اندیشکده بین المللی کرامت انسانی | انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت | انجمن علمی حقوق پزشکی ایران

مبانی حقوقی مداخله دولت در تنظیم بازار مواد غذایی در شرایط بحران

آرام عباسپور جلالی[۱]

۱. گروه حقوق، مؤسسه آموزش عالی رشدیه، تبریز، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: امنیت غذایی از حقوق بنیادین بشر و یکی از مؤلفه‌های اصلی توسعه پایدار محسوب می‌شود. در نظام حقوقی ایران، علیرغم تأکید قانون اساسی بر تأمین نیازهای اساسی شهروندان، سازوکارهای حقوقی مشخص و یکپارچه‌ای برای مداخله دولت در تنظیم بازار مواد غذایی، به ویژه در شرایط بحرانی مانند تحریم، خشکسالی یا همه‌گیری بیماری‌ها وجود ندارد. هدف این پژوهش، بررسی مبانی حقوقی مداخله دولت در بازار مواد غذایی در شرایط بحران و تحلیل نقاط قوت و ضعف این مداخلات در چهارچوب قوانین موجود است.

روش: این مطالعه به شیوه توصیفی ـ تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای انجام شده است. اسناد حقوقی داخلی، از جمله قانون اساسی، قوانین عادی، مقررات موضوعه و مصوبات نهادهای اجرایی، مورد بررسی قرار گرفته و از روش تحلیل محتوا برای ارزیابی نقش حقوقی دولت در تنظیم بازار غذا استفاده شده است.

ملاحظات اخلاقی: در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

یافته‌ها: نتایج بررسی نشان می‌دهد که قوانین موجود، هرچند در برخی موارد به دولت اختیار مداخله در بازار غذا را داده‌اند، اما فاقد انسجام، پیش‌بینی‌پذیری و چهارچوب حقوقی روشن هستند. در عمل، نهادهایی مانند وزارت جهاد کشاورزی، وزارت صمت و ستاد تنظیم بازار، ابزارهایی همچون قیمت‌گذاری، واردات اضطراری و توزیع سهمیه‌ای را به کار می‌برند، اما این اقدامات به دلیل فقدان پشتوانه حقوقی منسجم و سیاستگذاری بلندمدت، با چالش‌هایی چون نارضایتی تولیدکنندگان، تبعیض در توزیع و فساد اداری مواجه‌اند.

نتیجه‌گیری: برای تقویت نقش دولت در تأمین امنیت غذایی به ویژه در شرایط بحران، لازم است چهارچوب حقوقی روشنی با تأکید بر عدالت غذایی، پایداری عرضه و رعایت حقوق مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان تدوین گردد. پیشنهاد می‌شود تدوین یک قانون جامع با محوریت «حق بر غذا» و پیش‌بینی سازوکارهای قانونی برای مداخلات دولتی در شرایط ویژه، در دستور کار سیاستگذاران و قانونگذاران قرار گیرد.

واژگان کلیدی: تنظیم بازار؛ امنیت غذایی؛ حق بر غذا؛ شرایط بحران

نویسنده مسئول: آرام عباسپور جلالی؛ **پست الکترونیک:** aram.abbaspour@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۳۱؛ **تاریخ پذیرش:** ۱۴۰۴/۰۶/۲۱؛ **تاریخ انتشار:** ۱۴۰۴/۰۸/۱۳

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Abbaspour Jalali A. Legal Basis of Government Intervention in Regulating the Food Market in Crisis Situations. Health Law Journal. 2025; 3: e5.

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

مقدمه

امنیت غذایی به عنوان یکی از حقوق بنیادین بشر و از مؤلفه‌های کلیدی توسعه پایدار، همواره مورد توجه دولت‌ها و جوامع بین‌المللی بوده است. در اسناد بین‌المللی از جمله میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۹۶۶) بر حق افراد به دسترسی مستمر، کافی و پایدار به غذا تأکید شده است. این مفهوم به دسترسی همه افراد به غذای کافی، سالم و مغذی برای زندگی فعال و سالم اشاره دارد. در نظام حقوقی ایران، اصل ۴۳ قانون اساسی بر تأمین نیازهای اساسی، از جمله خوراک تأکید دارد و دولت را موظف به فراهم‌سازی شرایط لازم برای تأمین این نیازها می‌داند. با این حال، در شرایط بحرانی نظیر تحریم‌های اقتصادی، بلایای طبیعی یا همه‌گیری بیماری‌ها، تنظیم و کنترل بازار مواد غذایی با چالش‌های جدی مواجه می‌شود که نیازمند مداخله مؤثر و قانونی دولت است. در بررسی تحقیقات انجام‌شده، تعدادی از مطالعات مرتبط شناسایی شده‌اند که هر کدام به جنبه‌هایی از مداخله دولت در بازار مواد غذایی پرداخته‌اند. در مقاله‌ای با عنوان «ارزیابی ۲۴ طرح سیاستی منتخب با موضوع کشاورزی و امنیت غذایی» به بررسی طرح‌های سیاستی مرتبط با کشاورزی و امنیت غذایی پرداخته و راهکارهایی نظیر خرید تضمینی محصولات داخلی، اختصاص یارانه برای مصرف گوشت قرمز، تأمین نهاده‌های دامی و تسهیل صادرات دام زنده را برای افزایش سرانه مصرف گوشت قرمز پیشنهاد داده است، اما مبنای حقوقی اتخاذ چنین سیاستهایی مشخص نشده است (۱). مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در پژوهشی تحت عنوان «مبانی نظری دخالت دولت در اقتصاد» به بررسی مبانی نظری مداخله دولت در اقتصاد، از جمله در حوزه یارانه مواد غذایی و دارو، پرداخته و به گسترش حضور و دخالت دولت تا دهه ۱۹۷۰ اشاره دارد. لزوم دخالت دولت از منظر اقتصاد سیاسی مورد تبیین این تحقیق بوده، اما مبانی حقوقی آن و حدود و ثغور آن مشخص نشده است (۲). در تحقیقی دیگر تحت عنوان «نقدی بر طرح تقویت امنیت غذایی و رفع موانع تولیدات کشاورزی» به بررسی طرحی پرداخته که با هدف تقویت امنیت غذایی و رفع موانع تولید کشاورزی تهیه شده است. در این نقد، به ایرادهای متعدد و اساسی، شکلی، ماهوی و حقوقی این طرح اشاره شده و پیشنهاد شده که مصوبه مذکور با رعایت جامع‌نگری و به دور از شتاب‌زدگی مورد بازبینی قرار گیرد (۳). همچنین در کتابی با عنوان «شاخص‌های امنیت غذایی با رویکرد پدافند غیر عامل» به بررسی شاخص‌های امنیت غذایی با تأکید بر مدیریت بهینه و عقلایی تنظیم بازار در شرایط بحران می‌پردازد. در آن، به اهمیت ظرفیت‌های نهادی برای تأمین کالا در مواقع عادی و بحرانی اشاره شده و راهکارهایی برای بهبود امنیت غذایی ارائه شده است. این منبع می‌تواند در تحلیل سیاست‌ها و اقدامات دولت در تنظیم بازار مواد غذایی در شرایط بحرانی مفید باشد (۴). برخلاف تحقیقات انجام‌شده در این مقاله به مبانی حقوقی مداخله دولت در تنظیم بازار مواد غذایی در شرایط بحران پرداخته شده است تا میزان دخالت دولت از منظر قوانین ایران تعیین گردد. مسأله اصلی این پژوهش این است که چه ظرفیت‌ها و محدودیت‌هایی در نظام حقوقی ایران برای مداخله دولت در تنظیم بازار مواد غذایی در شرایط بحرانی وجود دارد؟ به نظر می‌رسد نظام حقوقی ایران فاقد چهارچوب قانونی جامع و منسجمی برای مداخلات دولت در بازار مواد غذایی در شرایط بحران است و مداخلات موجود بیشتر بر مبنای تصمیمات اجرایی و مقطعی صورت می‌گیرد تا اصول پایدار حقوقی.

با توجه به فشارهای اقتصادی، نوسانات بازار و تهدیدات ناشی از بحران‌های مختلف، تضمین امنیت غذایی به یکی از اولویت‌های اساسی دولت‌ها تبدیل شده است. در ایران، با وجود تأکیدات قانونی بر تأمین نیازهای اساسی، نبود چهارچوب‌های قانونی منسجم برای مداخله دولت در بازار مواد غذایی می‌تواند منجر به ناپایداری در تأمین و توزیع عادلانه غذا شود. بررسی و تحلیل مبانی حقوقی این مداخلات می‌تواند به اصلاح ساختارهای قانونی و تقویت امنیت غذایی کشور کمک کند. این پژوهش با هدف بررسی و تحلیل مبانی حقوقی مداخله دولت در تنظیم بازار مواد غذایی در شرایط بحرانی در نظام حقوقی ایران انجام می‌شود. همچنین شناسایی ظرفیت‌ها و

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

کاستی‌های قانونی موجود و ارائه پیشنهادهایی برای تدوین چهارچوب‌های حقوقی منسجم و کارآمد در این زمینه از اهداف دیگر این مطالعه است.

روش

این مطالعه به شیوه توصیفی ـ تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای انجام شده است. اسناد حقوقی داخلی، از جمله قانون اساسی، قوانین عادی، مقررات موضوعه و مصوبات نهادهای اجرایی، مورد بررسی قرار گرفته و از روش تحلیل محتوا برای ارزیابی نقش حقوقی دولت در تنظیم بازار غذا استفاده شده است.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

یافته‌ها

نتایج بررسی نشان می‌دهد که قوانین موجود، هرچند در برخی موارد به دولت اختیار مداخله در بازار غذا را داده‌اند، اما فاقد انسجام، پیش‌بینی‌پذیری و چهارچوب حقوقی روشن هستند. در عمل، نهادهایی مانند وزارت جهاد کشاورزی، وزارت صمت و ستاد تنظیم بازار، ابزارهایی همچون قیمت‌گذاری، واردات اضطراری و توزیع سهمیه‌ای را به کار می‌برند، اما این اقدامات به دلیل فقدان پشتوانه حقوقی منسجم و سیاستگذاری بلندمدت، با چالش‌هایی چون نارضایتی تولیدکنندگان، تبعیض در توزیع و فساد اداری مواجه‌اند.

بحث

۱. مبانی نظری و مفهومی

۱-۱. تعریف امنیت غذایی: امنیت غذایی مفهومی بنیادین در حوزه حقوق بشر و توسعه پایدار است که بر دسترسی مستمر و پایدار همه افراد به غذای کافی، سالم، مغذی و مورد پذیرش فرهنگی برای داشتن زندگی سالم و فعال تأکید دارد. سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد (FAO: Food and Agriculture Organization) در سال ۲۰۰۶ تعریف جامعی از امنیت غذایی ارائه داده که به چهار مؤلفه کلیدی آن، یعنی «دسترس‌پذیری (Availability)»، «دسترسی اقتصادی و فیزیکی (Access)»، «پایداری عرضه (Stability)» و قابلیت استفاده و تغذیه سالم (Utilization)» اشاره دارد (۵). امنیت غذایی فقط به میزان تولید غذا مربوط نمی‌شود، بلکه متضمن سیاستگذاری پایدار، توزیع عادلانه و تضمین برابری در فرصت دسترسی است (۶). در همین راستا، امنیت غذایی در یک جامعه نه‌تنها به وفور کالاهای اساسی، بلکه به وجود سازوکارهای نهادی و قانونی برای حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر وابسته است. در نظام حقوقی ایران نیز اگرچه واژه «امنیت غذایی» صراحتاً در قانون اساسی به کار نرفته، اما از اصولی مانند اصل ۴۳ (بند ۱ و ۲) می‌توان استنباط کرد که تأمین خوراک به عنوان یکی از نیازهای اساسی مردم از وظایف دولت در مسیر عدالت اقتصادی است.

۱-۲. مفهوم شرایط بحرانی و اضطراری: شرایط بحرانی و اضطراری در متون حقوقی و مطالعات بین‌المللی به موقعیت‌هایی اطلاق می‌شود که در آن‌ها نظم عمومی، امنیت اجتماعی یا سلامت جمعی به شدت تهدید می‌شود و دولت ناگزیر از مداخله فوری و فوق‌العاده می‌گردد. این شرایط ممکن است شامل جنگ، تحریم اقتصادی، بلایای طبیعی، بیماری‌های همه‌گیر یا نوسانات شدید قیمت‌ها در بازار مواد غذایی باشند. در گزارش «چهارچوب امنیت غذایی اضطراری» که توسط FAO و WFP ارائه شده، بحران غذایی به حالتی اطلاق می‌شود که در آن ظرفیت دولت‌ها برای تضمین دسترسی همگان به غذا مختل شده باشد و نیاز به پاسخ فوری سیاستگذارانه وجود دارد (۷).

در حقوق داخلی ایران، اگرچه تعریف دقیقی از شرایط بحرانی ارائه نشده، اما در قوانین موضوعه مانند قانون مدیریت بحران کشور (مصوب ۱۳۸۷ ش.، اصلاح ۱۳۹۸ ش.)، وضعیت‌های اضطراری و نیاز به پاسخ فوری از طریق بسیج امکانات و صدور مقررات خاص مورد اشاره قرار گرفته است. از منظر حقوق

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

عمومی، مداخلات دولت در این شرایط باید مبتنی بر ضرورت، تناسب و محدودیت زمانی باشد تا مانع از سوءاستفاده از وضعیت بحرانی گردد (قانون مدیریت بحران کشور، ماده ۱).

۱-۳. چهارچوب نظری حق بر غذا: حق بر غذا از مصادیق مهم حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است که در ماده ۱۱ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مورد تصریح قرار گرفته است. این ماده، کشورها را موظف به اقدام برای تأمین سطحی از زندگی مناسب شامل غذا، مسکن و بهداشت می‌داند. کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سازمان ملل در تفسیر عمومی شماره ۱۲ خود، حق بر غذا را این‌گونه تعریف کرده است: «حق هر فرد به دسترسی مستمر و آزاد به غذای کافی، ایمن و مغذی که با شأن انسانی او متناسب باشد» (۸). این حق سه بُعد اساسی دارد:

۱ـ تعهد به احترام (عدم دخالت منفی دولت در دسترسی افراد به غذا)؛

۲ـ تعهد به حمایت (ممانعت از دخالت اشخاص ثالث در این حق)؛

۳ـ تعهد به تحقق و تأمین (اقدامات مثبت دولت برای تضمین دسترسی برابر).

از منظر حقوق تطبیقی، بسیاری از کشورها این حق را در قانون اساسی خود گنجانده‌اند. برای مثال در قانون اساسی آفریقای جنوبی، ماده ۲۷، دولت موظف به تأمین غذا و آب سالم برای همه شهروندان شده است. با این حال، در نظام حقوقی ایران، هنوز قانونی جامع و صریح درباره «حق بر غذا» وجود ندارد و اصول کلی قانون اساسی، صرفاً به شکل استنباطی، این حق را پوشش می‌دهند.

۱-۴. نظریه‌های مرتبط با مداخله دولت: مداخله دولت در بازار از دیرباز محل بحث در نظریه‌های اقتصادی، حقوق عمومی و اندیشه‌های فلسفه سیاسی بوده است. در زمینه امنیت غذایی و مداخلات دولت در بازار غذا، این بحث ابعاد پیچیده‌تری به خود می‌گیرد، چراکه موضوع تنها به کارکرد بازار محدود نمی‌شود، بلکه با حق حیات، کرامت انسانی، عدالت اجتماعی و منافع عمومی نیز گره خورده است. در این بخش به مهم‌ترین نظریه‌های مرتبط پرداخته می‌شود.

۱-۴-۱. نظریه شکست بازار (Market Failure): یکی از اصلی‌ترین مبانی اقتصادی توجیه مداخله دولت، نظریه شکست بازار است. طبق این نظریه، در بسیاری از حوزه‌های اقتصادی، سازوکار بازار به تنهایی نمی‌تواند منافع عمومی را تأمین کند. از جمله مصادیق این شکست می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

ـ وجود انحصار یا رقابت ناکامل؛

ـ اطلاعات ناقص یا نامتقارن؛

ـ آثار جانبی منفی (مثل آلودگی یا بیماری ناشی از تغذیه نامناسب)؛

ـ فقدان کالاهای عمومی یا کمبود عرضه در شرایط بحرانی.

جوزف استیگلیتز (Joseph Stiglitz) از جمله اقتصاددانانی است که به طور جدی بر لزوم مداخله دولت در اصلاح نواقص بازار تأکید دارد و معتقد است بازار به خودی خود، نه‌تنها به عدالت اجتماعی نمی‌انجامد، بلکه ممکن است نابرابری را تشدید کند (۹). در حوزه غذا، شرایط بحرانی مانند خشکسالی یا تحریم می‌تواند توزیع غذا را به شدت مختل کند و بازار در چنین وضعیتی قادر به تأمین نیازهای ضروری نخواهد بود.

۱-۴-۲. نظریه عدالت اجتماعی و دولت رفاه: نظریه‌های عدالت اجتماعی به ویژه در اندیشه جان رالز (Jhon Rawls)، بر نقش دولت در تضمین برابری فرصت‌ها و حمایت از اقشار آسیب‌پذیر تأکید دارند. بر اساس اصل دوم نظریه عدالت رالز، نابرابری‌ها تنها زمانی پذیرفتنی‌اند که به نفع ضعیف‌ترین اقشار جامعه تمام شوند (۱۰). این اصل می‌تواند پایه‌ای نظری برای مداخله دولت در توزیع مواد غذایی، به ویژه در شرایط بحرانی باشد که دسترسی عادلانه به غذا در معرض تهدید است.

دولت رفاه نیز با این رویکرد پدید آمد که دولت باید مسئولیت تأمین حداقلی از رفاه، بهداشت، آموزش و غذا را برای همگان بر عهده گیرد. کشورهای اسکاندیناوی، آلمان، فرانسه و کانادا نمونه‌هایی از دولت‌هایی هستند که با ابزارهای مالیاتی،

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

یارانه‌ای و قانونی، به شکلی گسترده در بازار غذا دخالت می‌کنند.

۱-۴-۳. نظریه مصلحت عمومی در حقوق عمومی: در فقه اسلامی و حقوق عمومی ایران، اصل مصلحت عمومی (مصلحت عامه یا «مصلحت نظام») مبنای مشروعیت مداخلات دولت در امور اقتصادی و اجتماعی محسوب می‌شود. در شرایط بحران، دولت موظف است برای جلوگیری از اختلال در زندگی مردم، اقداماتی فوری انجام دهد. در متون حقوق عمومی، از جمله آثار لئون دوگی (Léon Duguit) و موریس هوریو (Maurice Hauriou)، دولت نه‌تنها مجاز، بلکه مکلف به مداخله در نظم عمومی، سلامت و امنیت اقتصادی است (۱۱). در همین راستا، دولت‌ها برای تضمین عدالت توزیعی، با استفاده از ابزارهایی مانند قیمت‌گذاری، توزیع سهمیه‌ای، تنظیم واردات و ممنوعیت احتکار وارد عمل می‌شوند.

۱-۴-۴. مداخله در شرایط اضطراری (Ergency Powers): یکی دیگر از مبانی حقوقی برای مداخله دولت، نظریه «قدرت اضطراری» یا «اقتدار ناشی از بحران» است. بر اساس این نظریه، در وضعیت‌های فوق‌العاده نظیر قحطی، جنگ، تحریم یا پاندمی، دولت‌ها اختیار دارند برای حفظ بقای جمعیت، اقداماتی فوری و فراگیر انجام دهند که در شرایط عادی ممکن است ناموجه تلقی شوند. در حقوق بین‌الملل، ماده ۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی (ICCPR: International Covenant on Civil and Political Rights) اجازه می‌دهد که برخی حقوق در شرایط اضطراری به طور موقت محدود شوند، مشروط بر اینکه این اقدامات متناسب، ضروری و در مدت محدود باشند. در چهارچوب امنیت غذایی، این نوع مداخله می‌تواند شامل وضع مقررات ویژه برای واردات، ذخیره‌سازی مواد غذایی یا توزیع رایگان کالاهای اساسی شود، البته چنین مداخلاتی باید با اصول تناسب، ضرورت و نظارت قانونی همراه باشند تا از سوءاستفاده از بحران جلوگیری شود (۱۲).

با توجه به نظریه‌های فوق، مداخله دولت در بازار غذا نه‌تنها از منظر حقوق عمومی و اقتصاد سیاسی مشروع است، بلکه در شرایط بحرانی، به ضرورتی اجتناب‌ناپذیر تبدیل می‌شود. با این حال، فقدان چهارچوب قانونی شفاف برای این مداخلات، می‌تواند منجر به بی‌ثباتی، فساد یا نابرابری بیشتر شود. بنابراین تدوین چهارچوبی حقوقی برای سامان‌دهی این مداخلات مبتنی بر اصول عدالت، قانون‌مندی و شفافیت، از ضرورت‌های حکمرانی کارآمد در حوزه غذا محسوب می‌شود.

۲. جایگاه امنیت غذایی در نظام حقوقی ایران: امنیت غذایی در نظام حقوقی ایران، هرچند به صراحت و با عنوانی مستقل در قانون اساسی یا قوانین عادی تدوین نشده، اما از بطن اصول بنیادین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و برخی قوانین عادی، می‌توان بنیان‌های حقوقی و الزامات دولت در تضمین این حق حیاتی را استخراج کرد. این بخش به بررسی مبنای امنیت غذایی در دو سطح قانون اساسی و قوانین عادی می‌پردازد.

۲-۱. جایگاه امنیت غذایی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: قانون اساسی ایران به عنوان بالاترین سند حقوقی کشور، به صورت مستقیم به موضوع غذا نپرداخته، اما اصولی از آن به گونه‌ای شفاف بر ضرورت تأمین نیازهای اساسی مردم، از جمله خوراک تأکید دارند. مهم‌ترین اصول مرتبط در این زمینه عبارت‌اند از:

۲-۱-۱. اصل ۴۳: در اصل ۴۳ قانون اساسی، دولت مکلف شده است که برای تحقق استقلال اقتصادی، عدالت اجتماعی و رفع فقر و محرومیت، نظام اقتصادی کشور را به نحوی سامان دهد که نیازهای اساسی مردم، از جمله خوراک، پوشاک، مسکن، بهداشت، آموزش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده تأمین گردد. در بند ۱ این اصل به صراحت آمده است: «تأمین نیازهای اساسی: مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه» این اصل را می‌توان اصلی‌ترین مبنای حقوقی الزام دولت به تضمین امنیت غذایی دانست، چراکه تأمین خوراک را در ردیف سایر نیازهای اساسی و بنیادین قرار داده و بر آن حق عموم مردم صحه گذاشته است.

۲-۱-۱. اصل ۲۹: اصل ۲۹ نیز در ادامه اصول مرتبط با رفاه اجتماعی، برخورداری از تأمین اجتماعی در زمینه‌هایی چون

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

بیکاری، پیری، بیماری و ازکارافتادگی را حق همگان دانسته و دولت را موظف به ایجاد نظام تأمین اجتماعی گسترده دانسته است، هرچند به طور مستقیم به غذا اشاره ندارد، اما در عمل، حمایت‌های غذایی برای اقشار نیازمند یکی از مصادیق اصلی اجرای این اصل است، به ویژه در قالب یارانه‌های کالاهای اساسی یا بسته‌های معیشتی در زمان بحران.

۲-۱-۳. اصل ۴۴: در اصل ۴۴ قانون اساسی، ساختار مالکیت اقتصادی کشور به سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی تقسیم شده و فعالیت‌های کلان اقتصادی همچون «صنایع مادر، بازرگانی خارجی، ذخایر طبیعی» و... به بخش دولتی واگذار شده است. این اصل، اگرچه به طور مستقیم به غذا اشاره ندارد، اما مبنایی برای مداخله حاکمیتی دولت در تنظیم بازار کالاهای اساسی، به ویژه در شرایط بحران، فراهم می‌آورد. در واقع، در پرتو این اصل، دولت حق دارد از ابزارهایی همچون تنظیم بازار، واردات اضطراری یا ذخایر استراتژیک برای تأمین امنیت غذایی بهره بگیرد.

۲-۲. قوانین عادی مرتبط با امنیت غذایی و تنظیم بازار: در کنار اصول قانون اساسی، مجموعه‌ای از قوانین عادی نیز به دولت اجازه داده‌اند تا در راستای تأمین امنیت غذایی، اقدامات لازم را در حوزه تولید، توزیع، کنترل قیمت و حمایت از مصرف‌کننده انجام دهد، هرچند این قوانین اغلب به صورت پراکنده و موضوعی هستند، اما در مجموع چهارچوب اجرایی مناسبی برای مداخلات دولتی در شرایط عادی یا اضطراری فراهم می‌کنند.

۲-۲-۱. قانون تعزیرات حکومتی (مصوب ۱۳۶۷ و اصلاحات بعدی): این قانون یکی از مهم‌ترین ابزارهای مقابله با اخلال در بازار و تضمین توزیع عادلانه کالاهاست. بر اساس مواد متعدد این قانون، احتکار، گران‌فروشی، کم‌فروشی، فروش خارج از شبکه و امتناع از عرضه کالاهای اساسی جرم‌انگاری شده و با ضمانت اجراهایی چون جریمه، تعطیلی واحد صنفی، ضبط کالا و حتی حبس همراه است. در شرایط بحران که کمبود یا افزایش بی‌رویه قیمت کالاهای اساسی مشاهده می‌شود، این قانون ابزار کلیدی دولت برای مداخله کیفری جهت حفظ امنیت غذایی به شمار می‌آید.

۲-۲-۲. قانون نظام صنفی (مصوب ۱۳۸۲ با اصلاحات): این قانون وظیفه نظارت بر فعالیت واحدهای صنفی در تولید و عرضه کالا را بر عهده دارد. در تبصره ماده ۶ این قانون، لزوم رعایت قیمت مصوب کالاهای اساسی و همکاری اصناف با نهادهای نظارتی مورد تأکید قرار گرفته است. همچنین اتاق‌های اصناف مکلف به همکاری با سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان برای تنظیم بازار می‌باشند.

۲-۲-۳. قانون توزیع عادلانه کالاها (مصوب ۱۳۶۶ ش.): این قانون یکی از معدود قوانین صریح مرتبط با توزیع کالاهای اساسی در شرایط بحران است. در ماده ۲ آمده است که دولت موظف است در صورت بروز کمبود یا افزایش تقاضا برای کالاهای خاص، با استفاده از شبکه توزیع و سهمیه‌بندی، نسبت به تأمین نیاز عمومی اقدام نماید. همچنین این قانون اختیارات گسترده‌ای به دولت و وزارت بازرگانی سابق (و اکنون وزارت صمت) داده است تا در شرایط خاص، واردات فوری کالا، تعیین قیمت‌های تشبیتی و مدیریت ذخایر استراتژیک را اعمال کند.

۲-۳. قوانین و آیین‌نامه‌های تنظیم بازار: در کنار قوانین عام مرتبط با توزیع کالا و جرائم اقتصادی، دولت جمهوری اسلامی ایران مجموعه‌ای از مقررات خاص، آیین‌نامه‌ها و نهادهای اجرایی را برای تنظیم بازار کالاهای اساسی، به ویژه در حوزه غذا ایجاد کرده است. این نظام مقرراتی، هرچند گاه پراکنده و وابسته به تصمیمات مقطعی بوده، اما در عمل نقش مهمی در مداخله دولت در بازار مواد غذایی در شرایط عادی و بحرانی ایفا کرده است.

۲-۳-۱. ستاد تنظیم بازار: ستاد تنظیم بازار به عنوان مهم‌ترین نهاد اجرایی در مدیریت و تنظیم بازار کالاهای اساسی، زیر نظر وزارت صنعت، معدن و تجارت (صمت) فعالیت می‌کند و متشکل از نمایندگان چند وزارتخانه، از جمله جهاد کشاورزی، اقتصاد، کشور و بانک مرکزی است. وظایف اصلی این ستاد عبارتند از:

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

ـ تعیین قیمت کالاهای اساسی یا اعمال قیمت‌گذاری تثبیتی؛
ـ هماهنگی برای واردات اضطراری یا صادرات مشروط؛
ـ نظارت بر توزیع اقلام اساسی از طریق شبکه‌های دولتی و نیمه‌دولتی؛
ـ مدیریت ذخایر استراتژیک و ارائه راهکار برای تنظیم عرضه و تقاضا.

مهم‌ترین ابزار این ستاد، مصوبات و دستورالعمل‌های اجرایی است که اغلب با استناد به اختیارات ناشی از مصوبات هیأت وزیران و شورای عالی امنیت ملی صادر می‌شوند، گرچه این مصوبات جنبه عمومی و لازم‌الاجرا دارند، اما گاهی با چالش عدم شفافیت، نبود ضمانت اجرای کافی، یا تغییرات مکرر و غیر قابل پیش‌بینی مواجه هستند.

۲-۳-۲. قانون تمرکز وظایف بخش کشاورزی در وزارت جهاد کشاورزی (مصوب ۱۳۹۱ش.): این قانون در جهت تجمیع اختیارات مربوط به تولید، واردات، توزیع و قیمت‌گذاری محصولات کشاورزی تدوین شده است. بر اساس این قانون، مسئولیت سیاستگذاری، نظارت و کنترل بازار محصولات کشاورزی و مواد غذایی پایه (از مزرعه تا سفره) به وزارت جهاد کشاورزی واگذار شده است، در نتیجه این وزارتخانه نقش پررنگی در هماهنگی با ستاد تنظیم بازار و مدیریت مداخلات دولتی در شرایط بحران دارد. با وجود مزایای قانونی این تمرکز، کارشناسان در عمل به اختلال در هماهنگی بین وزارت جهاد کشاورزی و وزارت صمت، به ویژه در مواردی چون واردات نهاده‌های دامی یا توزیع آرد، اشاره کرده‌اند که خود باعث بروز مشکلات در زنجیره تأمین مواد غذایی شده است.

۲-۳-۳. آیین‌نامه تنظیم بازار کالاهای مشمول قیمت‌گذاری دولتی: این آیین‌نامه که در قالب مصوبات هیأت وزیران یا شورای اقتصاد صادر می‌شود، ابزار اجرایی دولت برای اعمال نظارت بر قیمت کالاهای اساسی است. طبق این آیین‌نامه‌ها:

ـ دولت می‌تواند برای کالاهای خاص (نظیر نان، برنج، گوشت، روغن، شکر) قیمت مصوب تعیین کند؛
ـ فروش این اقلام خارج از قیمت مصوب، مشمول مجازات‌های تعزیری می‌شود؛
ـ نظارت بر اجرای قیمت‌ها به سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و بازرسان اتحادیه‌های صنفی واگذار می‌شود؛
ـ در صورت ضرورت، کالاها به صورت سهمیه‌ای یا از طریق سامانه‌های توزیع الکترونیکی عرضه می‌شوند.

در عمل، این آیین‌نامه‌ها یکی از ابزارهای رایج دولت برای تنظیم بازار در شرایط کمبود یا افزایش تقاضا بوده‌اند. با این حال، عدم به‌روزرسانی مناسب نرخ‌ها، ضعف در کنترل زنجیره توزیع و بعضاً مداخلات غیر کارشناسی، موجب اختلالاتی در کارایی این سازوکار شده است.

۲-۳-۴. مصوبات شورای عالی پدافند غیر عامل: پدافند غیر عامل در ایران به عنوان نهاد مشورتی امنیتی، در مواقع بحران‌های ملی، از جمله تهدیدات غذایی، اختیار ارائه پیشنهادهایی برای ذخیره‌سازی استراتژیک کالاهای حیاتی، ممنوعیت صادرات اقلام خاص و تأمین زنجیره تأمین در شرایط جنگ، تحریم یا قحطی دارد.

مصوبات این شورا، اگرچه بیشتر جنبه سیاستگذاری دارند، اما بر اساس آن‌ها دولت مکلف به تأمین حداقل ذخایر مطمئن برای مقابله با بحران در حوزه غذاست. این موضوع به ویژه در دوران کرونا یا افزایش تحریم‌ها، از اهمیت بالایی برخوردار بوده است.

۲-۳-۵. طرح مردمی‌سازی یارانه‌ها (۱۴۰۱ ش.): هرچند به صورت مستقیم در قالب یک قانون مصوب مجلس تدوین نشده، اما این طرح بر اساس تصمیم هیأت وزیران و قانون بودجه، نظام عرضه بسیاری از کالاهای اساسی را از حالت یارانه پنهان به یارانه نقدی یا کالابرگ الکترونیکی تبدیل کرده است.

در قالب این طرح، دولت اختیار یافته است که با استفاده از سامانه‌های دیجیتال توزیع و تخصیص کالا (نظیر سامانه تجارت، سامانه جامع انبارها یا کالابرگ الکترونیکی)، به صورت هدفمند نسبت به مداخله در بازار غذا اقدام کند، هرچند اجرای این طرح با انتقاداتی از منظر عدالت اجتماعی و کارایی

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

همراه بوده، اما از منظر حقوقی، بسترساز شکل‌گیری سازوکارهای نوین قانونی در مداخلات غذایی دولت محسوب می‌شود.

نظام مقررات‌گذاری دولت ایران در حوزه تنظیم بازار غذا، مبتنی بر مجموعه‌ای از قوانین صریح، آیین‌نامه‌های اجرایی، مصوبات ستادها و ساختار نهادی چندلایه شکل گرفته است. با وجود اینکه این سازوکارها امکان واکنش نسبتاً سریع دولت به بحران‌های غذایی را فراهم می‌کنند، اما پراکندگی مقررات، تعدد نهادهای تصمیم‌گیر، نبود قانون جامع با رویکرد حقوق بشری و بعضاً ابهام در سلسله مراتب و صلاحیت‌ها، موجب شده تا کارایی این ساختار در برخی بحران‌ها زیر سؤال رود. تدوین یک قانون جامع امنیت غذایی با تأکید بر نقش نهادهای تنظیم‌گر، ضمانت اجرای شفاف و حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر، می‌تواند زمینه‌ساز ایجاد ساختاری پایدار، پاسخگو و کارآمد برای مداخلات قانونی در بازار غذا باشد.

۳. تحلیل حقوقی مداخلات دولت در شرایط بحرانی: این بخش به صورت تفصیلی به دو محور اصلی می‌پردازد، ابزارهای حقوقی دولت برای مداخله در بازار مواد غذایی در شرایط بحران و نهادهای مسئول این مداخلات. تحلیل‌ها با نگاهی ترکیبی از اصول حقوق عمومی، سیاستگذاری اقتصادی و تجربه‌های اجرایی در ایران ارائه شده‌اند.

۳-۱. ابزارهای حقوقی مداخله دولت: در شرایط بحرانی مانند تحریم، جنگ، خشکسالی یا همه‌گیری بیماری‌ها، دولت برای تأمین امنیت غذایی ناگزیر به مداخله در بازار می‌شود. این مداخلات باید دارای پشتوانه قانونی، محدودیت زمانی، تناسب با وضعیت و قابلیت نظارت و پاسخگویی باشند تا با اصول حکمرانی مشروع در تضاد نباشند. مهم‌ترین ابزارهای حقوقی دولت برای مداخله در شرایط بحران به شرح زیر است:

۳-۱-۱. قیمت‌گذاری و کنترل قیمت کالاهای اساسی: یکی از رایج‌ترین و سنتی‌ترین ابزارهای مداخله دولت، تعیین قیمت‌های مصوب برای کالاهای اساسی است. این اقدام غالباً با هدف جلوگیری از افزایش بی‌رویه قیمت‌ها و حمایت از مصرف‌کننده در شرایط بحرانی صورت می‌گیرد. پشتوانه قانونی این اقدام، آیین‌نامه‌ها و مصوبات ستاد تنظیم بازار، شورای اقتصاد و اختیارات قانونی سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان است. بر اساس ماده ۵ قانون تعزیرات حکومتی، فروش کالا بیش از قیمت رسمی، گران‌فروشی تلقی شده و مستوجب مجازات است. همچنین تبصره ماده ۶ قانون نظام صنفی به دولت اجازه داده است که در صورت لزوم، قیمت‌گذاری تثبیتی اعمال کند. با این حال، قیمت‌گذاری‌های دولتی در صورت نبود نظارت مؤثر، ممکن است به قاچاق، احتکار، یا کاهش عرضه منجر شود. بنابراین باید با سیاست‌های مکمل نظارتی و حمایتی همراه باشد.

۳-۱-۲. سهمیه‌بندی و توزیع هدفمند: در شرایطی که منابع غذایی محدودند، سهمیه‌بندی کالاها یکی از ابزارهای قانونی برای توزیع عادلانه میان اقشار مختلف جامعه محسوب می‌شود. قانون توزیع عادلانه کالاها (مصوب ۱۳۶۶ ش.) صراحتاً دولت را در مواقع بحرانی مجاز به توزیع سهمیه‌ای کرده است. همچنین مصوبات هیأت وزیران و ستاد تنظیم بازار، نحوه اعمال سهمیه‌بندی و مدیریت شبکه توزیع را مشخص می‌کنند. در سال‌های اخیر، با راه‌اندازی سامانه‌های الکترونیکی مانند سامانه تجارت یا سامانه کالابرگ، دولت تلاش کرده است سهمیه‌بندی را هدفمند و دیجیتالی کند تا از فساد، تبعیض و ناکارآمدی در توزیع جلوگیری کند.

۳-۱-۳. واردات اضطراری و تأمین ذخایر استراتژیک: در مواقعی که تولید داخلی پاسخگوی تقاضا نیست یا اختلالاتی در زنجیره تأمین رخ می‌دهد، دولت از ابزار واردات اضطراری بهره می‌گیرد. این اقدام عمدتاً با استفاده از اختیارات وزارت صمت و جهاد کشاورزی و بر اساس مصوبات هیأت وزیران صورت می‌گیرد. همچنین بر اساس مصوبات شورای عالی پدافند غیر عامل و ستاد تنظیم بازار، دولت موظف است ذخایر استراتژیک مواد غذایی را به حداقل مطمئن برساند. در مواقع بحران، بخشی از این ذخایر آزاد شده و در بازار عرضه می‌گردد. این اقدام پشتوانه‌ای عملی برای تثبیت بازار و اطمینان‌بخشی به افکار عمومی دارد.

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

۳-۱-۴. ممنوعیت یا محدودیت صادرات کالاهای اساسی: دولت در زمان بحران با استناد به ماده ۱۱ قانون مقررات صادرات و واردات می‌تواند صادرات برخی اقلام اساسی را موقتاً ممنوع یا محدود کند. این اقدام معمولاً برای جلوگیری از خروج اقلامی مانند گندم، برنج، مرغ یا نهاده‌های دامی انجام می‌شود و توسط ستاد تنظیم بازار و وزارت صمت هماهنگ می‌شود.

۳-۲. نهادهای مسئول در اجرای مداخلات دولتی (تحلیل انتقادی): در نظام حکمرانی اقتصادی ایران، مداخلات دولت در حوزه غذا به نهادهای مختلفی سپرده شده که از منظر قانونی صلاحیت ورود به موضوع را دارند، هرچند در ظاهر این تنوع نهادی می‌تواند منجر به پوشش حداکثری و انعطاف در واکنش به بحران‌ها شود، اما در عمل، تعدد نهادها، فقدان هماهنگی و شفافیت و تعارض مأموریت‌ها سبب شده است که عملکرد این نهادها نه‌تنها مؤثر نباشد، بلکه گاه خود منشأ بی‌ثباتی در بازار شود.

۳-۲-۱. وزارت جهاد کشاورزی: بر اساس قانون تمرکز وظایف بخش کشاورزی (۱۳۹۱ ش.)، این وزارتخانه مسئول تأمین و تنظیم بازار محصولات کشاورزی از تولید تا عرضه است. وظایفی مانند برنامه‌ریزی تولید، واردات نهاده‌ها، نظارت بر قیمت و تعامل با کشاورزان، از جمله اختیارات قانونی این نهاد هستند. نکات مثبت عملکرد این نهاد عبارت است از: شناخت میدانی از وضعیت تولید و زنجیره تأمین، ارتباط مستقیم با تولیدکنندگان و اتحادیه‌ها. در مقابل انتقادهایی نیز بر عملکرد آن وارد است. علیرغم دارابودن اختیار قانونی گسترده، زیرساخت اجرایی برای مدیریت توزیع یا نظارت بازار را ندارد و در عمل برای اجرای تصمیمات خود وابسته به وزارت صمت و ستاد تنظیم بازار است. فقدان سامانه‌های کارآمد برای تخصیص هدفمند نهاده‌ها منجر به رانت، توزیع ناعادلانه و فساد ساختاری شده است (به ویژه در حوزه نهاده‌های دامی و یارانه‌ها). مقاومت بدنه کارشناسی این وزارتخانه در برابر سیاست‌های متمرکز وارداتی، باعث بروز تعارض با سایر دستگاه‌ها شده است.

۳-۲-۲. وزارت صنعت، معدن و تجارت (صمت): وزارت صمت از طریق سازمان‌های تابعه‌ای نظیر سازمان حمایت مصرف‌کنندگان، سازمان توسعه تجارت و دبیرخانه ستاد تنظیم بازار، مسئول سیاستگذاری در حوزه تنظیم قیمت و تجارت کالاهای اساسی است. نکات مثبت عملکرد این نهاد عبارتند از: دسترسی به سامانه‌های نظارتی مثل سامانه جامع تجارت و قدرت اجرایی در اعمال محدودیت‌های واردات/ صادرات و تنظیم بازار. در مقابل انتقادهایی نیز بر عملکرد آن وارد است. این وزارتخانه نگاه غالباً تجاری و صنعتی به موضوع غذا دارد و کمتر رویکرد اجتماعی، رفاهی یا امنیت غذایی اتخاذ می‌کند. ناهماهنگی شدید با وزارت جهاد کشاورزی در خصوص قیمت‌گذاری و اولویت واردات، موجب بی‌ثباتی در تصمیمات اجرایی شده است. بارها تصمیمات قیمت‌گذاری بدون در نظرگرفتن هزینه‌های واقعی تولید، موجب نارضایتی تولیدکنندگان و کاهش عرضه در بازار شده است.

۳-۲-۳. ستاد تنظیم بازار: ستاد تنظیم بازار یک نهاد بین‌وزارتی است که هدف آن هماهنگی در تصمیم‌گیری‌های اجرایی است. این ستاد از منظر ساختاری واجد پتانسیل بالایی برای واکنش سریع به بحران‌های غذایی است، اما در عمل با چالش‌هایی جدی مواجه است. نکات مثبت عملکرد این نهاد عبارتند از: ساختار فراجناحی و حضور نمایندگان چند دستگاه و امکان واکنش سریع به بحران و صدور مصوبات اجرایی فوری. در مقابل انتقادهایی نیز بر عملکرد آن وارد است. مصوبات این ستاد اغلب پشتوانه حقوقی دقیق و شفاف ندارند و بیشتر جنبه دستوری یا توصیه‌ای دارند. تصمیمات در این ستاد، غالباً مقطعی، غیر کارشناسی و متأثر از فشارهای سیاسی یا رسانه‌ای هستند. به دلیل عدم شفافیت در فرآیند تصمیم‌گیری، پاسخگویی نهادی و مسئولیت‌پذیری حقوقی ضعیف است.

۳-۲-۴. سازمان تعزیرات حکومتی: این سازمان به عنوان بازوی قضایی دولت در حوزه تخلفات اقتصادی عمل می‌کند و می‌تواند نقش مؤثری در مقابله با اخلالگران بازار، احتکارکنندگان و گران‌فروشان ایفا کند. نکات مثبت عملکرد این نهاد عبارتند

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

از: دارای صلاحیت قضایی برای رسیدگی فوری و صدور حکم و ابزار تنبیهی نسبتاً قوی (جریمه، پلمب، توقیف کالا). در مقابل انتقادهایی نیز بر عملکرد آن وارد است. عملکرد سازمان در سال‌های اخیر بیشتر نمایشی و غیر پایدار بوده و آمار بالای تکرار تخلفات، نشان‌دهنده کاهش اثربخشی اقدامات تنبیهی است. به دلیل فقدان منابع انسانی و نظارتی کافی، عمده تخلفات خرد کشف می‌شوند و عوامل اصلی اختلال در سطوح بالاتر، مصون از پیگیری باقی می‌مانند. وابستگی به گزارش‌های سایر نهادها، باعث می‌شود فرآیند رسیدگی‌ها غیر فعال و واکنشی باشد.

ساختار نهادی تنظیم بازار غذا در ایران، با وجود گسترش وظایف و ابزارهای قانونی، به دلیل نبود سازوکارهای مؤثر برای هماهنگی بین نهادی، پاسخگویی حقوقی و خط مشی‌گذاری شفاف و پایدار دچار ناکارآمدی مزمن است، به ویژه در شرایط بحرانی، اختلاف دیدگاه وزارت جهاد و صمت، ضعف اقتدار ستاد تنظیم بازار و ناکارآمدی سازمان تعزیرات باعث شده تا مردم از تبعات بی‌ثباتی در عرضه، افزایش قیمت و نابرابری در دسترسی به کالاها رنج ببرند.

پیشنهاداتی که برای اصلاح این وضعیت می‌توان ارائه کرد در ۴ عنوان خلاصه می‌شود: ۱ـ تشکیل نهاد مستقل سیاستگذار در حوزه امنیت غذایی با اختیارات فراگیر و تخصصی؛ ۲ـ تقنین قانون جامع امنیت غذایی با تعریف دقیق اختیارات و مسئولیت‌ها؛ ۳ـ اتصال سامانه‌های نظارتی نهادها و شفاف‌سازی تصمیمات تنظیم بازار؛ ۴ـ تقویت نظارت مردمی و سازمان‌های غیر دولتی بر فرآیندهای مداخله دولت.

۴. نقد و بررسی چالش‌ها: علیرغم وجود ظرفیت‌های قانونی پراکنده برای مداخله دولت در بازار مواد غذایی، نظام حقوقی ایران با چالش‌های ساختاری مواجه است که نه‌تنها اثربخشی مداخلات دولت را کاهش می‌دهد، بلکه در برخی موارد خود به تشدید بحران‌های غذایی دامن می‌زند. در این بخش، سه چالش اصلی بررسی می‌شود.

۴-۱. فقدان قانون جامع در زمینه حق بر غذا: یکی از مهم‌ترین خلأهای حقوقی در نظام تقنینی ایران، نبود قانون جامع درباره «حق بر غذا» است، در حالی که بسیاری از کشورهای جهان، از جمله برزیل، هند و آفریقای جنوبی، این حق را به صورت صریح در قانون اساسی یا قوانین خاص به رسمیت شناخته‌اند، در ایران صرفاً اصول کلی مانند اصل ۴۳ قانون اساسی به لزوم تأمین خوراک اشاره دارد، بدون اینکه ضمانت اجرا، تعاریف دقیق، یا ساختار نهادی مشخصی برای تحقق این حق پیش‌بینی شده باشد. طبق تفسیر عمومی شماره ۱۲ کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سازمان ملل، دولت‌ها موظف‌اند سازوکارهای قانونی مؤثر برای تحقق حق بر غذا ایجاد کنند (۸). در ایران، چنین چهارچوبی نه در سطح تقنینی و نه در سطح اجرایی تعریف نشده است. پیامد این خلأ، مداخله‌های مقطعی، غیر نظام‌مند و بدون پاسخگویی حقوقی مشخص است که در نهایت به تضعیف امنیت غذایی می‌انجامد، به علاوه، نبود قانون خاص، امکان پیگیری قضایی نقض این حق را برای شهروندان محدود کرده است. در دادگاه‌های اداری یا دیوان عدالت اداری، شهروندان برای نقض حق غذا به مرجع قانونی خاصی استناد نمی‌توانند بکنند، چراکه این حق به عنوان حق قابل پیگیری در نظر گرفته نشده است (۱۳).

۴-۲. تعارض منافع، فساد و ضعف نظارت: یکی از چالش‌های جدی در اجرای مداخلات دولتی، تعارض منافع ساختاری و فساد اداری در زنجیره تأمین و توزیع مواد غذایی است. گزارش‌های رسمی دیوان محاسبات کشور، بارها از تخصیص غیر شفاف نهاده‌های دامی، قاچاق معکوس کالاهای یارانه‌ای و ورود ذی‌نفعان خاص به فرایندهای واردات اضطراری پرده برداشته‌اند. برای مثال، در بررسی عملکرد سامانه بازارگاه (سامانه توزیع نهاده‌های دامی)، مشخص شد که برخی شرکت‌های واردکننده، با وجود دریافت ارز ترجیحی، کالا را در بازار آزاد فروخته‌اند یا به شبکه غیر رسمی انتقال داده‌اند. فقدان سیستم نظارت یکپارچه بین وزارت صمت، جهاد کشاورزی و گمرک، موجب شده تا نظارت بر کل زنجیره دچار ضعف ساختاری شود. طبق آمار مرکز پژوهش‌های مجلس، نزدیک به ۲۵ درصد نهاده‌های یارانه‌ای در سال ۱۴۰۰، به

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

مصرف واقعی دامداران نرسیده است و در سیستم نظارتی ثبت نشده‌اند (۱۴). از طرف دیگر، حضور برخی مدیران دولتی یا نزدیکان آن‌ها در شرکت‌های واردکننده کالا، موجب بروز تعارض منافع جدی شده است که قوانین فعلی مانند «قانون منع مداخله کارکنان دولت» نتوانسته آن را کنترل کند.

۴-۳. ناپایداری سیاستگذاری‌ها و اثرات آن بر تولید و عرضه: یکی از معضلات مزمن نظام حکمرانی غذایی در ایران، بی‌ثباتی، تغییرات مکرر و نبود پیش‌بینی‌پذیری در سیاست‌های غذایی و قیمت‌گذاری دولتی است. این ناپایداری به ویژه در بخش کشاورزی و دام‌پروری اثرات مخرب دارد. کشاورز یا دامدار به عنوان تولیدکننده، برای تصمیم‌گیری به اطمینان از نرخ خرید، ثبات در تأمین نهاده‌ها و سیاست‌های حمایتی پایدار نیاز دارد. با این حال، در ایران:

ـ قیمت خرید تضمینی محصولات کشاورزی (مثل گندم) هر ساله با تأخیر اعلام می‌شود یا در میانه فصل تغییر می‌کند؛

ـ واردات یا ممنوعیت واردات محصولات مانند گوشت و برنج ناگهانی و بدون اطلاع قبلی اعمال می‌شود؛

ـ نرخ ارز ترجیحی و یارانه نهاده‌ها به صورت ناگهانی حذف یا جایگزین با طرح‌های ناقص می‌شود (مثلاً در طرح مردمی‌سازی یارانه‌ها).

این وضعیت باعث شده تا تولیدکنندگان دچار بی‌انگیزگی، کاهش تولید، یا خروج از بازار شوند، حتی در مواردی مانند مرغ و تخم‌مرغ، کاهش عرضه ناشی از بی‌ثباتی تصمیمات دولت، مستقیماً منجر به افزایش قیمت و ایجاد بحران‌های مقطعی شده است. از نظر حقوقی، این وضعیت نقض اصل اعتماد مشروع (Legitimate Expectation) است که یکی از اصول اساسی در حقوق عمومی محسوب می‌شود. بر اساس این اصل، دولت‌ها موظف‌اند سیاست‌های خود را به گونه‌ای تنظیم کنند که شهروندان بتوانند بر آن‌ها برنامه‌ریزی کنند (۱۵).

نظام حقوقی و اجرایی ایران، در حالی که ابزارهای پراکنده‌ای برای مداخله در بازار غذا در اختیار دارد، با چالش‌هایی در سطح تقنین، اجرا و نظارت رو به روست. نبود قانون جامع «حق بر غذا»، ضعف در شفافیت و نظارت و بی‌ثباتی در سیاست‌ها، همگی موجب شده‌اند که مداخلات دولتی نه‌تنها ناکارآمد باشند، بلکه در مواردی بحران‌زا نیز شوند. بازنگری ساختاری، تدوین قانون جامع امنیت غذایی، استقرار نظام یکپارچه نظارت و اصلاح فرآیند سیاستگذاری، از گام‌های ضروری برای اصلاح این وضعیت محسوب می‌شود.

نتیجه‌گیری

امنیت غذایی، به عنوان یکی از ارکان بنیادین عدالت اجتماعی و از مصادیق مسلم حقوق بشر، جایگاهی کلیدی در ساختارهای حکمرانی ملی و بین‌المللی دارد. در نظام حقوقی ایران، هرچند اصول قانون اساسی نظیر اصول ۲۹، ۴۳ و ۴۴ بر ضرورت تأمین نیازهای اساسی مردم از جمله خوراک تأکید دارند، اما در عمل، نظام تقنینی کشور از نبود یک قانون جامع و منسجم درباره «حق بر غذا» رنج می‌برد. این خلأ باعث شده است که مداخلات دولت در بازار مواد غذایی، به ویژه در شرایط بحرانی، به صورت پراکنده، فاقد ضمانت اجرای شفاف و بعضاً بر پایه تصمیمات مقطعی و غیر کارشناسی انجام پذیرد. تحلیل ابزارهای حقوقی دولت نشان داد که با وجود وجود سازوکارهایی مانند قیمت‌گذاری، سهمیه‌بندی، واردات اضطراری و ممنوعیت صادرات، کارایی این ابزارها در شرایط بحران به شدت تحت تأثیر ضعف در ساختار نهادی، تعارض منافع، فساد اداری و ناپایداری سیاستگذاری‌ها قرار گرفته است. نهادهای متولی مانند وزارت جهاد کشاورزی، وزارت صمت، ستاد تنظیم بازار و سازمان تعزیرات حکومتی، علیرغم داشتن اختیارات قانونی، از هماهنگی نهادی، پاسخگویی حقوقی و انسجام رویه‌ای لازم برخوردار نیستند. از سوی دیگر، فقدان رویکرد حقوق بشری به مقوله غذا، باعث شده است که تأمین امنیت غذایی بیش از آنکه در قالب یک «حق انسانی» نهادینه شود، در عمل به مسأله‌ای صرفاً اجرایی و اقتصادی تقلیل یابد. این در حالی است که تجربیات بین‌المللی نشان می‌دهد کشورهایی که «حق بر غذا» را در قوانین اساسی یا قوانین ویژه خود نهادینه کرده‌اند، در واکنش به بحران‌های

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

غذایی، عملکرد مؤثرتری داشته‌اند. بنابراین اصلاح وضعیت موجود، نیازمند اقداماتی ساختاری، هماهنگ و چندبعدی است. مهم‌ترین این اقدامات عبارت‌اند از:

۱ـ تدوین قانون جامع امنیت غذایی با تأکید بر حق بر غذا، تعاریف روشن، ضمانت اجرای حقوقی و تعیین دقیق وظایف نهادهای مسئول؛

۲ـ اصلاح و تقویت نظام نظارت و پاسخگویی در فرآیندهای تخصیص نهاده‌ها، توزیع کالاهای اساسی و کنترل بازار؛

۳ـ ایجاد سازوکار شفاف برای مدیریت تعارض منافع و پیشگیری از فساد اداری در زنجیره تأمین مواد غذایی؛

۴ـ تثبیت و پیش‌بینی‌پذیرکردن سیاست‌های حمایتی، وارداتی و قیمت‌گذاری برای ایجاد اطمینان در میان تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان؛

۵ـ نهادینه‌سازی نگاه حقوق بشری و عدالت‌محور به مقوله غذا در برنامه‌های کلان اقتصادی و اجتماعی کشور.

در نهایت، هرگونه مداخله دولت در بازار غذا در شرایط بحران، زمانی مشروع، مؤثر و کارآمد خواهد بود که مبتنی بر اصول حقوقی شفاف، در چهارچوب حکمرانی پاسخگو و با مشارکت ذی‌نفعان و نهادهای اجتماعی صورت گیرد.

مشارکت نویسندگان

آرام عباسپور جلالی تمامی مراحل پژوهش را به انجام رسانده و ضمن تأیید نسخه نهایی، مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته است.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

تأمین مالی

نویسنده اظهار می‌نماید که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده است.

تضاد منافع

نویسنده هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده است.

بیانیه هوش مصنوعی

از ابزار هوش مصنوعی، بهره برده نشده است.

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

References

1. Masir Eqtesad Institute. Evaluation of 24 selected policy plans on agriculture and food security. 2023. [Persian]

2. Research Center of the Islamic Consultative Assembly. Theoretical foundations of government intervention in the economy (with emphasis on food and medicine subsidies). Economic Studies Office; 2012. [Persian]

3. Hassanzadeh SH. Criticism of the plan to strengthen food security and remove obstacles to agricultural production. Legal Expert Note; 2022. [Persian]

4. Sheikhi A. Food Security Indicators with a Passive Defense Approach. Tehran: Niloufaran Publishing House; 2016. [Persian]

5. FAO. Food Security Policy Brief. Rome; 2006.

6. Pinstrup-Andersen P. Food Security: Definition and Measurement. Food Security. 2009; 1(1): 5-7.

7. FAO & WFP. Framework for Food Security Emergency Response. Rome; 2010.

8. UN CESCR. General Comment No.12: The Right to Adequate Food (Art.11). 1999.

9. Stiglitz J. Markets, Market Failures and Development. American Economic Review. 1989; 79(2): 197-203.

10. Rawls J. A Theory of Justice. Massachusetts: Harvard University Press; 1971.

11. Duguit L. Law and the Modern State. Paris: Librairie Félix Alcan; 1911.

12. Gross O, Ní Aoláin F. Law in Times of Crisis: Emergency Powers in Theory and Practice. Cambridge: Cambridge University Press; 2006.

13. Golay C, Özden M. The Right to Food: A Fundamental Human Right Affirmed by the United Nations and Recognized in Regional Treaties and Numerous National Constitutions. Geneva Academy. 2005.

14. Research Center of the Islamic Consultative Assembly. Report on the performance of the market system and the challenges of providing livestock inputs. 2021. [Persian]

15. Craig P. Administrative Law. London: Sweet & Maxwell; 2006.

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.